فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و یکم. بهار ۱۳۹۸، صص ۲۰-۱۳ Vol 3. No 31. 2019, p 13-20
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

شرایط گذشت شاکی در قوانین و مقررات جزایی ایران

فتح اله کرمی[1]. دکتر ماشااله کریمی[2]
۱. گروه حقوق، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، ایران
fatholaah.karami@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، ایران
karimi_b2003@yahoo.com

چکیده
در قوانین و مقررات، برای گذشت و اعلام آن از سوی متضرر از جرم (شاکی زیان دیده)، تشریفات خاصّی که بر طبق آن شاکی مراتب گذشت خویش را اعلام نماید، پیش بینی نشده است و متضرر از جرم می تواند به هر ترتیبی که امکان داشته باشد، انصراف خود را از تعقیب مجرم ابراز نماید. معمولاً این اعلام گذشت و انصراف با بیان جملاتی از قبیل: گذشت می‌کنم، از شکایت خود صرف نظر می‌نمایم و آن را پس گرفتم و... بیان می‌شود که عرفاً نشان دهنده یا نصراف متضرر، از تعقیب کیفری و حاکی از حصول سازش و مصالحه بین جانی ومجنّی علیه یا متضرر ازجرم وطرف مقابل او است.

واژه‌های کلیدی: جرایم قابل گذشت، جرایم غیرقابل گذشت، شاکی، حق‌الناس.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱- مقدمه

یکی از نهادهای بسیار تاثیر گذار در فرآیند دادرسی گذشت شاکی است ؛ ارتکاب برخی جرایم در جامعه، آنچنان سبب بر هم خوردن نظم و امنیت جامعه می‌شود که عامه مردماز هیئت حاکمه انتظار دارند بدون تقاضای افراد، مرتکبین را تعقیب کند. این جرایم، غیرقابل گذشت ندارند و شاکی خصوصی (متضرر مستقیم از جرم که شکایت کیفری کرده است)، علی الاصول در فرایندتعقیب مرتکبین آنها، نقشی ایفا نمی‌کند. اما قانون گذار بنا به مصالحی همچون گسترش گذشت درجامعه و کاهش اثرات سوء مجازات بر مجرم، به خواست بزه دیده در این جرایم، توجه نموده است. با مطالعه سیاست حاکم بر قوانین داخلی، درمی یابیم، علیرغم نقش گسترده شاکی خصوصی که برخی ازآنها سبب تضییع حقوق متهم می‌شود، اثر بخشی به اراده او در مواردی، مشروط به موافقت دادگاه میباشد. بنابراین می‌توان گفت شاکی خصوصی در دادرسی های جزایی جرایم غیر قابل گذشت، نقش فرعی دارد. و تنها در جرایم قابل گذشت نقش مهم و تاثیر گذاری برای آن متصور است.

۲- گذشت شفاهی

این نوع از گذشت، ممکن است به صورت بیان شفاهی و ضمن حضور متضرر از جرم در محکمه یا در مراحل اولیه ی تحقیق باشد. دراینصورت، باید اظهارات وی در صورت جلسه قید و به امضای شاکی رسانده شود. چنانچه وی، بی‌سواد باشد، ذیل اظهارات خود را انگشت می‌زند (ساکی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

۳- گذشت کتبی

گذشت، ممکن است به صورت کتبی اعلام گردد. در این صورت، مقام رسیدگی کننده به جرم باید در صحت انتساب آن به شاکی زیان دیده از جرم، دقت نظر به عمل آورد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

اگر سازش و صلح نامه در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم گردیده باشد ویا امضای آن به وسیله‌ی مراجع رسمی و صالحت صدیق شده باشد، معتبر بوده و دادرس در انتساب آن به شاکی تردید نخواهدکرد؛ امّاچنانچه اعلام گذشتش اکی به صورت مستندعادی بوده باشد، مقام رسیدگی کننده تا احراز صحت و انتساب آن به وی، صرفاً به عنوان گذشتی عادی با آن برخورد می نماید.

٤- اهلیّت گذشت کننده

اهل در لغت به معنای شایسته است؛ اهلیّت صفت کسی است که دارای جنون، سفه، صغر، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق (کلاً یا بعضاً) نباشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اعلام گذشت و استرداد شکایت، استیفای حق است. کسی که از این حق استفاده می کند، باید اهلیّت آن را داشته باشد بنابراین، صغار، مجانین و اشخاص غیر رشید نمی‌توانند شخصاً اعلام گذشت نمایند؛ این امر بر عهده اولیای قانونی آنان محول است.» (صالح‌ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).

طبق تبصره یک ماده (۳۶) قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، گذشت قیم موقت، منوط به کسب اجازه از دادستان است. ظاهراً منظور نویسندگان قانون مزبور از اصلاح قیّم موقت، قیّمی است که به استناد قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۱۳۲۶/۲/۲۶ در شرایط خاص، از طرف دادسرا به طور موقت تعیین می‌شود. برابر قانون مذکور: در مواردی که تعقیب مجرم موقوف به شکایت متضرر از جرم است، اگر وی صغیر باشد (ولی یا قیّم نداشته باشد)، مدعی العموم (دادگاه) مکلّف است با موافقت قانون برای صغیر، قیم معین کند و هر گاه تعیین قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر و زیان نسبت به صغیر باشد، تا تعیین قیم، مدعی العموم موقتاً کسی را به عنوان قیم اتفاقی تعیین می نماید؛ و در مواقع ضرورت قبل از تعیین قیم، اقدامات فوری و ضروری را که برای حفظ آثار و دلایل جرم و تعقیب آن لازم است دستور می‌دهد؛ ولی ادامه تعقیب منوط است به اینکه قیم، مصلحت صغیر را در تعقیب امر تشخیص داده و شکایت نماید. در مواردی که صغیر ولی یا قیم دارد، و ولی یا قیم او شخصاً مرتکب جرم شده و یا مداخله در جرم داشته و موافق قانون مدنی قیم اتفاقی هنوز تعیین نشده است نیز به همین ترتیب عمل می‌شود و اگر قیم اتفاقی تعین شده باشد، وظیفه اقدام بر عهده‌ی اوست.

حق گذشت، از جمله حقوقی است که به ورثه منتقل می‌شود. تبصره (۲۳) قانون مجازات اسلامی در اینباره می‌گوید: حق گذشت، به وارث قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همه وراث، تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌گردد. مطابق تبصره مذکور، در صورتی که فقط بعضی از وراث گذشت نمایند، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف نمی‌شود. این تبصره، مطلق است و شامل همه جرایم قابل گذشت، اعم از جرایم علیه اشخاص یا اموال می‌شود. طبق قسمت دوم ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی: «هر گاه متضررین از جرم، متعدد باشند، تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان آغاز می‌شود؛ امّا موقوفی تعقیب، رسیدگی و مجازات، به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده اند، موکول است. شایان ذکر است که حکم این ماده، مطلق است و شامل همه جرایم قابل گذشت می‌گردد. در قانون مجازات اسلامی عمومی (سابق) برای سقوط دعوی عمومی به لحاظ گذشت شاکی زیان دیده شرط دیگری پیش بینی شده بود. بدین گونه که در ماده (۲۷۷) قانون مزبور مقرر شده بود: «در مورد جرم‌های مذکور در مواردی که ذیلاً معین است، تعقیب جزایی شروع نمی شود؛ مگر به تقاضای مدعی خصوصی و اگر مشارالیه شکایت خود را مسترد نماید، تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد؛ مگر اینکه متهم، سابقاً محکومیت جنحه یا جنایتی داشته باشد. . . ». البته شرط فوق که، عدم سابقه محکومیت به جنحه و جنایت بوده، در عمل متروک بود و به آن توجهی نمی‌شده است (شامبیاتی، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در تبصره ۲ ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری (سابق) نیز آمده بود: «. . . مگر اینکه متهم سابقه محکومیت موثر کیفری به علت ارتکاب جرم مشابه آن داشته باشد. ». اما در قانون مجازات اسلامی (فعلی) چنین شرطی پیش بینی نشده است.

به نظر می رسد که شرط مذکور (عدم سابقه محکومیت کیفری متهم) در جواز گذشت شاکی، امری مطلوب و به نفع جامعه است؛ مهم ترین فایده آن، این است که مانع تکرار جرم در جامعه می شود؛ زیرا مجرم می داند که چون سابقه دارد، عفو و گذشت شامل او نخواهد شد و مجازات می‌شود. بدیهی است که عدم وجود این شرط، باعث جرأت مرتکبین در جرم می شود. گذشت، باید بعد از وقوع جرم باشد: یکی دیگر از شرایط گذشت، این است که بایستی بعد از وقوع جرم باشد. مطابق این اصل کلی، گذشت قبل از وقوع جرم معتبر نیست.

در اینجا، لازم است که مختصری درباره اصطلاح «رضایت مجنی علیه» و «گذشت» توضیح داده شود.

«رضایت مجنی علیه یعنی اذن و موافقت وی بر اینکه جرمی علیه او صورت گیرد.» «قوانین جزاء از قوانین آمده است و مربوط به نظم عمومی است و اراده افراد قادر نیست خللی در اجرای آن به وجود آورد. بنابراین، رضایت مجنی علیه در جرایمی که به حیات، سلامت و تمامیت جسمانی شخص مانند قتل، ضرب و جرح صدمه می‌زند، بی اثر است.» اما در بعضی از موارد، ممکن است عدم رضایت مجنّی علیه یکی از شرایط ارتکاب جرم باشد. به عنوان مثال، ورود به منزل غیر، بدون اجازه مالك جرم است؛ ولی هر گاه صاحبخانه اجازه بدهد، چنین عملی فاقد وصف مجرمانه است؛ یعنی یکی از شرایط تحقق جرم، عدم رضایت صاحبخانه است. در موارد مشابه فوق، که رضایت مجنی علیه یکی از شرایط تحقق جرم را زایل می نماید، رضایت باید پیش از ارتکاب جرم یا مقارن با آن باشد. رضایت مجنی علیه باید پیش از ارتکاب جرم یا مقارن آن ابراز شود. رضایت مجنی علیه پس از ارتکاب جرم از مرتکب رفع مسؤولیت جزایی نمی‌کند و تنها جنبه گذشت دارد».

با ملاحظه مطالب ذکر شده در می یابیم که، اصطلاح «رضایت مجنی علیه مربوط به قبل از وقوع جرم است و اصطلاح "گذشت شاکی" مربوط به بعد از وقوع جرم است. نکته شایان توجه درباره ی رضایت مجنی علیه این است که رضایت مجنی علیه اساساً تأثیری در ماهیت عمل مجرمانه ندارد؛ زیرا می‌دانیم که هر جرم دو جنبه دارد: یکی جنبه خصوصی و دیگری جنبه‌ی عمومی؛ رضایت مجنی علیه باعث زوال جنبه‌ی خصوصی می‌شود؛ ولی جنبه‌ی عمومی جرم، به حال خود باقی می‌ماند و جامعه به خاطر صدمه و لطمه ای که به خاطر وقوع جرم از ناحیه مرتکبین جرم می‌بیند، به منظور دفاع از حقوق اجتماعی، مرتکبین را مجازات می کند (آقایی، ۱۳۹۳، ص ۴۹).

ناگفته نماند که اعلام رضایت و گذشت از سوی شاکی باید به طور آزاد تحقق یابد؛ یعنی نباید تحت اجبار و اکراه و یا فشارهای روانی و یا فریب یا خشونت نسبت به مجنی علیه (شاکی)، وی وادار به اعلام گذشت و عفو گردد. افزون بر این، گذشت کننده باید به سن قانونی رسیده باشد تا از لحاظ روانی بتواند نتایج

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

رضایت خود را ارزیابی و درک کند. بنابراین، اعلام گذشت از سوی صغیر و محجور، اثری در سقوط دعوی و یا عدم تعقیب آن نخواهد داشت. منجز بودن گذشت: گذشت باید صریح و روشن بوده و مشروط به شرط و یا مقید به قید نباشد. به عبارت دیگر، «منجز بودن گذشت»، یعنی اینکه منوط به وقوع امر دیگری نباشد؛ زیرا با استناد به گذشت مقید یا مشروط، نمی توان قرار موقوفی تعقیب صادر کرد. چنانکه ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «گذشت باید منجّز باشد و به گذشت مشروط و معلّق ترتیب اثر داده نخواهد شد. . . »

بنابراین، هر گاه متضرر از جرم، گذشت خود را مشروط به امری نماید، به عنوان مثال بگوید: «به شرطی گذشت می‌نمایم که. . . » این گذشت، معتبر نخواهد بود یا اینکه گذشت خود را معلق بر تحقق امری نماید؛ به عنوان مثال بگوید: هر گاه متهم مبلغ معیّنی وجه پرداخت نماید گذشت خواهم کرد» این گذشت معتبر نبوده و قابل ترتیب اثر نخواهد بود، هر چند وجه مورد نظر بعداً پرداخت شود.

درحقوق جزایی، اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است. مطابق ماده ۱۰۳قانون مجازات اسلامی جدید، چنانچه قابل گذشت بودن جرمی، در قانون تصریح نشده باشد، آن جرم غیرقابل گذشت محسوب می‌شود، مگر اینکه از حق‌الناس باشد و شرعا قابل گذشت باشد (مانند جنبه حق‌الناسی قتل عمدی یا قصاص نفس). آثار حقوقی گذشت، در جرائم قابل گذشت یا غیرقابل گذشت یا جرمی که با وجود جنبه حق‌الناسی، جنبه عمومی نیز دارد، متفاوت است. برابر ماده ۱۰۰ قانون مذکور وتبصره ۲ ذیل آن و دیگر مقررات قانونی، گذشت شاکی یا ذی‌نفع در جرائم تعزیری قابل گذشت و جرائم حق‌الناس، حسب مورد، موجب (صدور قرار) موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط دعوی (مانند مطالبه دیه یا قصاص) می‌شود. ولی در جرائم غیرقابل گذشت، گذشت شاکی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تاثیری ندارد و صرفا ممکن است، در جرائم تعزیری از موجبات تخفیف مجازات محسوب شود. ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی سابق، ضمن تصریح به لزوم منجز بودن گذشت، مقرر کرده بود، به گذشت مشروط ومعلق ترتیب اثر داده نخواهد شد، اما ماده ۱۰۱ از قانون جدید، درباره شرایط گذشت، مقرر می‌دارد: «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط یا معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شودکه آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد (ناصر، ۱۳۸۷)، ص ۵۱). .

همچنین عدول از گذشت مسموع نیست.» بنابراین، صور و آثار گذشت، می‌تواند شامل یکی ازموارد زیر و اثر مترتبه بر آن باشد:

۱-گذشت منجز، به معنای گذشت قطعی و بدون شرط است. در جرائم قابل گذشت یا حق‌الناس محض، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، حسب مورد، موجب موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات یا سقوط دیه یا قصاص می‌شود.

۲-گذشت مشروط، گذشتی که تاثیر آن، موکول به تحقق شرط است. مانندااینکه درقصاص نفس اولیاءدم، گذشت از قصاص را منوط به پرداخت دیه مقرر یا بیشتر یا کمتر از آن یا تسلیم مالی در وقت معین کنند

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که در این صورت با تحقق شرط، گذشت موثر واقع و قصاص ساقط می‌شود و نیاز به اعلام گذشت مجدد نیست.

۳-گذشت معلق، برخلاف گذشت منجز، اثرش موکول به تحقق امر دیگری است مانند موردی که پسر معتادی عمدا پدرش را کشته باشد و اولیاءدم بگویند گذشت می‌کنیم هر گاه ترک اعتیاد بکنی یا برای همیشه ترک منزل بکنی. در این حالت لازم است درخواست (معلق علیه) مشروع باشد و اگر شرط یا موضوع معلق علیه درخواست انجام امر غیرمشروع یا غیرقانونی باشد مانند اینکه بگویند نباید ازدواج بکنی، قانونا پذیرفته نیست.

قانونگذار تفاوت گذشت معلق از مشروط را مشخص نکرده، با این حال، با قیاس شرط و تعلیق در عقد، می‌توان گفت «تعلیق موکول و وابسته کردن عقد به امری است که ظاهرا ماهیت عقد معلق پیش از تحقق معلق علیه، به وجود نمی‌آید، اما درشرط، عقد در زمان انشا پدید می‌آید و شرط یک امر فرعی متصل به عقد است. » بنابراین، گذشت معلق، بعد از تحقق معلق علیه، واقع و قطعی می‌شود که واجد اثر حقوقی است.

در حالی که درگذشت مشروط، رضایت در همان ابتدا، اعلام شده و تاثیر آن موکول به تحقق شرط، بعد از آن و در مهلت مقرر است و در صورت عدم تحقق شرط، مجازات اجرا خواهد شد که به هرحال این موضوع یک بحث ظریف حقوقی و در فقه و حقوق مورد اختلاف است. به نظر می‌رسد پیش‌بینی مقررات گذشت مشروط یا معلق در قانون جدید، موجب تشویق بیشتر شاکیان به اعلام رضایت در جرائم قابل گذشت و به‌ویژه قصاص خواهد بود. لازم به ذکراست در مواد ۳۶۱ تا ۳۶۳ قانون یادشده نیز، در باره گذشت مشروط در قصاص، خواه پیش از صدور حکم، خواه پس از آن، مقررات مشابهی پیش‌بینی شده است (آریانپورکاشانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶).

گذشت مشروط از محکومان به قصاص که گاه اخبار مربوط به آن را می‌خوانیم، یکی از مباحث مهم و دقیق حقوقی است. مطابق ماده ۳۶۱ قانون مجازات اسلامی«اگر مجنی‌علیه یا ولی‌دم گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه‌المصالحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است». هرچند اطلاق عبارت «امر دیگر»، ممکن است موجب این برداشت شود که هیچ محدودیت قانونی در ماهیت و مصداق «امر دیگر» نیست اما واقعیت این است که برابر ماده ۱۰ قانون مدنی و مواد دیگر از سایر مقررات موضوعه و منابع معتبر فقهی، این امر یا توافق نمی‌تواند مغایر با قانون یا شرع باشد. بنابراین نباید متون قانونی را بدون توجه به مقررات موضوعه دیگر، مناط اعتبار یا ملاک عمل قرار داد. ماده مرقوم صراحت دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، درصورتی که مغایر قانون نباشد، نافذ است». سوای مدت‌داربودن شرط، مستفاد از ماده ۲۳۲ قانون مدنی، شرط باید دارای نفع عقلایی، مشروع و انجام آن، مقدور باشد. در غیر این صورت، شرط باطل است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۵- نتیجه‌گیری

شاکی ممکن است از پیگیری شکایت خودش منصرف شود یا به واسطه دریافت ضرر و زیان یا هر دلیل دیگری، رضایت خودش را از متهم یا مشتکی عنه اعلام کند؛ در برخی جرایم به صرف گذشت شاکی، تعقیب متوقف می‌شود اما در برخی جرایم، گذشت شاکی، تأثیری در پیگیری شکایت نداشته و تنها شاید باعث تخفیف در مجازات متهم شود .جرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که تنها با شکایت شاکی خصوصی آغاز شده و با رضایت شاکی نیز متوقف می‌شود اما جرایم غیرقابل گذشت، ممکن است با شکایت شاکی خصوصی یا تعقیب مدعی العموم آغاز شود اما گذشت شاکی خصوصی تأثیری در روند ادامه رسیدگی به جرم نداشته و تعقیب متهم تا مجازات وی ادامه پیدا خواهد کرد.

در هر صورت از جمله شرایط گذشت می‌توان به لزوم درج آن در پرونده حتی در صورت شفاهی بودن اشاره نمود. ازشرایط دیگر گذشت شاکی لزوم اهلیت گذشت کننده است. همچنین مشاهده شد که گذشت در قوانین جدید می‌تواند به صورت مشروط نیز باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات نگاه نو.
ـ آریانپور کاشانی، منوچهر، ۱۳۸۹، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
ـ آقایی، سارا، ۱۳۹۳ ، جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دوراندیشان .
ـ ساکی، محمدرضا، ۱۳۹۲، حقوق جزای اختصاصی، تهران، چاپ جنگل.
ـ شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان.
ـ صالح ولیدی، محمد، ۱۳۸۸، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ ششم.
ـ ناصر، محسن، ۱۳۸۷، بایسته های حقوق جزا، تهران، انتشارات سمت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]